

آبی آسمان آموزش نقاشی کبود نشده؟!



منیره محمودی
کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی

اشاره

نقاشی هنری است که از عمق روح نقاش برمی آید و نشان از لطافت روح، خلاقیت و هماهنگی حرکات چشم و دست و ذهن پدیدآورنده خود دارد. نقاشی باعث تلطیف روح و زدودن استرس و ناراحتی می‌گردد.

از آن جایی که هر هنر و حرفه‌ای نیاز به آموزش صحیح و کارآمد دارد تا باعث رشد و بالندگی هنرجویان خود شود و هنرجو را مبدل به هنرمندی خبره سازد، ضروری است آموزش و پرورش اقدام به طراحی برنامه صحیح و اصولی در چنین رشته‌هایی کند.

طراحی هر سیستم آموزشی نیاز به هماهنگی و همکاری تکنولوژیست‌های آموزشی، متخصصین علوم تربیتی و کارشناسان تخصصی رشته مورد نظر دارد. در همین راستا، خانم منیره محمودی (کارشناس ارشد رشته تکنولوژی آموزشی) اقدام به بازده‌سنجی رشته چهره‌سازی (طراحی و نقاشی) در هنرستان‌های کار دانش در سال ۹۰-۱۳۸۹ نمود. که نتیجه بررسی ایشان در پی می‌آید:

مقدمه

آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹ به دلیل افزایش جمعیت دانش‌آموزی و سنجش میزان اشتغال در آینده‌ای نه چندان دور و تخمین جمعیت نوجوانانی که به احتمال زیاد نمی‌توانستند شغلی مناسب در جامعه پیدا کنند، اقدام به طراحی رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش نمود تا نوجوانانی را که برای یافتن شغل و آموزش‌های حرفه‌ای، اقدام به قطع ادامه تحصیل می‌کردند، جذب آموزش رسمی کشور کند بلکه در لوای آموزش و پرورش رسمی کشور حرفه‌ای را بیاموزند و بتوانند در آینده نزدیک با آن به اشتغال‌زایی بپردازند. در این برنامه‌ریزی، رشته نقاشی جزو زیرمجموعه‌های شاخه کار دانش قرار گرفت.

در تعریف آموزش و پرورش، هدف غایی رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش، تربیت نیروی انسانی در سطوح نیمه‌ماهر، ماهر و استادکار و سرپرستی برای بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و هنر بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: نقاشی، چهره‌سازی، طراحی.



اصولاً هنر
را نباید وسیله شغل یابی
و یا اشتغال قرار
داد

روش تحقیق

محقق جهت جمع‌آوری پیشینه تحقیق اقدام به جمع‌آوری تحقیقات انجام شده در دانشکده‌های هنر در خصوص رشته نقاشی و شیوه‌های آموزش آن کرده که نتایج تحقیقات در ضمن توصیف ارائه می‌شود، و در آخر آدرس دقیق تحقیقات برای خوانندگان مشتاق به تحقیق بیشتر در این خصوص بیان می‌گردد.

در تحقیق حاضر، بنابراین نهاده شد که بازده‌سنجی‌ای از اجرای طرح طراحی شده در سال ۱۳۶۹ که اکنون ۲۰ سال از آن می‌گذرد به عمل آید تا بتوان عملکرد و بازده یکی از رشته‌های شاخه کاردانش (چهره‌سازی) را به‌دست آورد و در صورت منفی‌بودن بازده، اقدام به بازنگری و طراحی مجدد کرد.

جهت بازده‌سنجی رشته چهره‌سازی اقدام به تهیه دو پرسش‌نامه شد.

پرسش‌نامه اول از استانداردهای آموزشی رشته چهره‌سازی که توسط متخصصین این رشته تهیه شده و با در نظر گرفتن الگوی ارزیابی تابلو و همچنین سطوح یادگیری روانی حرکتی بلوم، تهیه گردید.

پنج سطح سطوح روانی حرکتی معادل با پنج گزینه پاسخ به سؤالات - که در طیفی از خیلی ضعیف تا خیلی خوب تنظیم شده بود - قرار داده شد (این پرسش‌نامه برای هنرآموزان و هنرجویان تنظیم گردید).

در پرسش‌نامه مخصوص هنرآموزان سه گزینه جهت مرقوم نمودن نمرات ارزش‌یابی پایان ترم گنجانده شد تا در زمان تحلیل بررسی شود که آیا نمرات ارزش‌یابی پایانی وسیله مناسبی برای ارزیابی اهداف تعیین شده در قسمت طراحی بوده است یا خیر.

علاوه بر این پرسش‌نامه بسته پاسخ، پرسش‌نامه بازپاسخی نیز تنظیم شد که فقط توسط هنرآموزان تکمیل می‌گردید. هدف این پرسش‌نامه، سنجش هر سه قسمت طراحی، اجرا و ارزش‌یابی از نگاه هنرآموزان رشته چهره‌سازی بود. برای تهیه این پرسش‌نامه از پرسش‌نامه بازپاسخ رضایت شغلی و پیشنهاد برای بهبود آن استفاده گردید.

این دو پرسش‌نامه در شش منطقه از شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران و در شش هنرستان با ۱۲۰ هنرجو و ۱۲ هنرآموز به مرحله اجرا درآمد. (شایان ذکر است که جامعه آماری این پژوهش ۱۷ مدرسه با ۵۲۹ هنرجو و ۳۴ هنرآموز را دربرمی‌گیرد).

بعد از اجرای پرسش‌نامه‌ها تنظیم آمار توسط برنامه SPSS و تحلیل نتایج صورت گرفت و در نهایت، اقدام به تهیه فهرستی از قبول‌شدگان دانشگاه و شاغلین در شغلی مناسب با رشته، از فارغ‌التحصیلان سال گذشته شد که خلاصه نتایج کسب شده به قرار ذیل است:

- ۱ از نظر هنرآموزان آموزشی، سطح متوسط یعنی رسیدن به سطح دقت در عمل تحقق پذیرفته است.
- ۲ از نظر هنرجویان آموزشی، سطح خوب یعنی رسیدن به سطح هماهنگی حرکات تحقق پذیرفته است.
- ۳ از هنرجویان ورودی هیچ نوع آزمونی جهت سنجش استعداد و علاقه و انگیزه به‌عمل نمی‌آید. آقایان موسوی (۱۳۸۰) و عساکره (۱۳۸۷) نیز در تحقیقات‌شان به این نکته اشاره داشته‌اند.
- ۴ نمرات پایان ترم وسیله مناسبی جهت سنجش اهداف مشخص شده در استانداردها نیست.
- ۵ استانداردها بسیار فراتر از توان فراگیران با توجه به دو سال آموزش تنظیم شده است.
- ۶ زمان آموزش هنر نقاشی (۲ سال) برای کسب دیپلم نقاشی بسیار کم است. آقای موسوی (۱۳۸۰) در پژوهش خود، اقدام به بررسی مدت تحصیل در هنرستان‌ها در طی ۱۰۰ سال گذشته کردند و مشخص شد که در حال حاضر کمترین زمان آموزش، به کسب دیپلم نقاشی اختصاص داده شده است. در مدارس صنایع مستظرفه بعد از پنج سال کسب آموزش، هنرجو موفق به اخذ مدرک دیپلم نقاشی می‌شد و در مدارس هنرهای زیبا بعد از هفت سال؛ ولی اکنون به دو سال تقلیل یافته که این خود عامل افت کسب مهارت در دیپلمه‌های رشته نقاشی است.

۷ نمره نمی‌تواند مشخص‌کننده مناسبی برای شناخت نقاط قوت و ضعف دروس عملی باشد؛ زیرا نمره نهایی از جمع نمرات چند درس به‌دست می‌آید.

در مدارس صنایع
مستظرفه بعد از پنج
سال کسب آموزش،
هنرجو موفق به
اخذ مدرک دیپلم
نقاشی می‌شد و در
مدارس هنرهای
زیبا بعد از هفت
سال؛ ولی اکنون به
دو سال تقلیل یافته
که این خود عامل
افت کسب مهارت
در دیپلمه‌های رشته
نقاشی است

۸ اختصاصی کردن رشته نقاشی به چهره‌سازی برای مبتدیان اشتباه بزرگی است. به دلیل این که انتخاب شاخه چهره‌نگاری در نقاشی طبق علاقه هنرمند به قسمت طراحی و نقاشی چهره، صورت می‌پذیرد و وقتی شخص در شاخه چهره‌نگاری به صورت تخصصی قدم می‌گذارد، باید تمام اصول طراحی عمومی و نقاشی عمومی و طبیعت بی‌جان را به صورت ماهرانه فراگرفته باشد. این در حالی است که اکنون طبق سلیقه شخصی رو به چهره‌نگاری آورده است نه این که به افراد مبتدی از ابتدا بخواهند چهره‌نگاری را آموزش دهند. خانم هوده یارالهی (۱۳۸۱) نیز در تحقیق‌شان به این نکته اشاره کرده‌اند.

۹ نام رشته چهره‌نگاری نامی کاملاً اشتباه است؛ به این دلیل که چهره‌سازی معادل گریم فرض می‌شود و نام اصلی برای طراحی و نقاشی چهره، چهره‌نگاری است. خانم هوده یارالهی به این نکته در پژوهش‌شان اشاره داشته‌اند.

۱۰ در نقاشی چهره‌نگاری هدف تهیه اثری از فیگور است؛ در حالی که در هنرستان‌ها بیشتر کار کپی انجام می‌شود و دلیلش هم مشخص است؛ چون هنرجویان هنوز در طراحی عمومی مهارت پیدا نکرده‌اند. خانم هوده یارالهی (۱۳۸۱) در پژوهش خود به کشیدن چهره فیگور در چهره‌نگاری اشاره کرده‌اند و از طرفی آقای مصطفی عساکره (۱۳۸۷) در پژوهش خود به به‌کارگیری سلیقه شخصی در تدریس هنرستان‌ها پرداخته‌اند.

۱۱ در صورتی که آموزش و پرورش اقدام به برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت برای هنرآموزان کند، کمک شایانی در امر اجرای صحیح آموزش نموده است.

۱۲ براساس لیست سرنوشت شغلی و تحصیلی فارغ‌التحصیلان سال گذشته، مشخص شد که بازده این رشته پایین بوده است؛ زیرا فقط یک سوم از هنرجویان موفق به ورود در دانشگاه‌های آزاد و علمی کاربردی شدند و هیچ‌کدام نتوانستند شغل مناسب با حرفه آموزش دیده را پیدا کنند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این پژوهش مشخص گردید که در هر سه قسمت طراحی، اجرا و ارزش یابی، مشکلات عدیده‌ای وجود دارد و مشکل اصلی به قسمت طراحی و تنظیم استانداردهای آموزشی و تنظیم ساعات آموزش و سال‌های آموزش برمی‌گردد.

در نتیجه مشخص شد که بازده رشته چهره‌سازی پایین بوده و هنرجویان به اهداف غایی تعیین شده در شاخه کاردانش دست نیافته و بعد از دو سال آموزش نتوانسته‌اند مهارت لازم را در نقاشی کسب کنند و وارد بازار کار شوند. البته ذکر این نکته ضروری است که اصولاً هنر را نباید وسیله شغل‌یابی و یا اشتغال قرار داد. شاید از ابتدا قراردادن رشته تحصیلی در گروه و شاخه کاردانش اشتباه نبوده است.

لذا جهت نجات چنین هنر عظیمی لازم است دست به اقدامات جدی زد تا هرچه زودتر اصلاحاتی انجام پذیرد که بر وقت و هزینه و سرمایه هنرجو و آموزش و پرورش صدمه بیشتری وارد نشود.

بدین ترتیب، آیا بهتر نیست به کار هنرجو به همان صورت هنری نگریسته شود، نه به عنوان شغل و کسب درآمد؟!

منابع

۱. ارزش یابی آموزشی، دکتر عباس بازرگان
۲. مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، دکتر هاشم فردانش
۳. مهارت‌های آموزشی و پرورشی، دکتر حسن شعبانی
۴. کلیات نظام جدید آموزش متوسطه
۵. تاریخچه وزارت فرهنگ و هنر
۶. پایان‌نامه سیدهمایون موسوی، ۱۳۸۰، دانشگاه هنر
۷. پایان‌نامه هوده یارالهی، ۱۳۸۱، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
۸. پایان‌نامه مصطفی عساکره، ۱۳۸۷، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
۹. پایان‌نامه بامداد رضوانیان، ۱۳۸۶، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
۱۰. پایان‌نامه نفیسه شاطر مفیدی، ۱۳۸۸، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
۱۱. پایان‌نامه جلیله سادات رفیعی، ۱۳۷۰، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
۱۲. پایان‌نامه صادق عمادزاده، ۱۳۷۲، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
۱۳. پایان‌نامه نرجس ملکی، ۱۳۸۴، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران